



انتر ناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۳۹

جمعه ۳ شهریور ۱۴۰۲، ۲۵ اوت ۲۰۲۳

تداوم انقلاب و وضعیت سیاسی در ایران
تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید
صفحه ۲

اهمیت عضویت حکومت اسلامی در معاهده بریکس

کاظم نیک‌خواه

کنفرانس کشورهای موسوم به بریکس شامل برزیل، روسیه، هند، چین، و آفریقای جنوبی امروز ۲۴ اوت در ژوهانسبورگ پایان یافت. در آخرین ساعات قبل از پایان کنفرانس که به مدت سه روز در جریان بود، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی که ریاست دوره‌ای کنفرانس را به عهده دارد، اعلام کرد که شش کشور جدید به عضویت در بریکس پذیرفته شده‌اند. این کشورها عبارت‌اند از عربستان، آرژانتین، ایران، اتیوپی، مصر، و امارات متحده عربی.

بحران محیط زیستی در آذربایجان و اعتراضات مردمی

کاوه راد
صفحه ۳

جمهوری اسلامی مدت‌ها بود که تلاش داشت به این پیمان بپیوندد تا از این طریق شاید بتواند خود را از فشارهای بین‌المللی و بحران اقتصادی خلاص کند. اما این رؤیایی پوچ بیش نیست. بریکس یک معاهده اقتصادی نیست. بلکه یک تجمع و دیالوگ و بلوک‌بندی برای مقابله با بلوک کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا است و پیوستن جمهوری اسلامی و دیگر کشورها به آن، برای دیگر کشورها تعهدات سیاسی و اقتصادی ایجاد نمی‌کند. تنها خاصیت آن می‌تواند این باشد که به درجه‌ای انزوای جمهوری اسلامی را تخفیف دهد. اما از این نظر هم اوضاع خیلی روشن نیست. برای نمونه در همین اجلاس اخیر ولادیمیر پوتین نتوانست شرکت کند چون که دادگاه کیفری بین‌المللی برای او به‌خاطر جنایات جنگی در اوکراین کیفرخواست صادر کرده است. پوتین ناچار شد با ویدئو در کنفرانس شرکت کند و سخنرانی ننماید. حضور جمهوری اسلامی در این اجلاس نیز به معنای پایان یافتن انزوای بین‌المللی آن نیست. حتی بحران و فلج اقتصادی حکومت اسلامی نیز با حضور در این مجموعه تخفیف نخواهد یافت. چون که کشورهای چین و روسیه کشورهای اصلی این ائتلاف هستند و سال‌هاست که با حکومت اسلامی مراودات تجاری و اقتصادی دارند و با وجود این اقتصاد این کشور در حالت فلج و بحران عمیق است. تغییری در این رابطه قرار نیست صورت گیرد.

در حاشیه عضویت جمهوری اسلامی در بریکس

محمد شکوهی
صفحه ۵

بی‌حجابی اقتدار حکومت را درهم‌شکسته است

پاسخ اصغر کریمی به یک سؤال
صفحه ۶

سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی

پاسخ شهلا دانشفر به یک سؤال
صفحه ۷

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۰

از اقتصاد کشورهای اولیه تشکیل‌دهنده بریکس با عنوان اقتصادهای بالنده و در حال ظهور نام‌برده می‌شود. به‌ویژه چین و هند دو کشور اصلی اعضای این مجموعه جایگاه برجسته‌ای در اقتصاد و تجارت جهانی دارند. اما یک مشکل جدی بریکس این است که مسائل اجتماعی و سیاسی عمیقی تقریباً همه کشورهای این ائتلاف را زیر فشار قرار می‌دهد. شکاف‌های طبقاتی و فاصله فقر و ثروت در تمام کشورهای عضو بریکس به نسبت بسیاری از کشورهای دنیا به‌ویژه غرب بسیار عظیم است و این کشورها را آستان بی‌ثباتی سیاسی جدی کرده و موقعیت آن را در

ادامه در صفحه ۹



تداوم انقلاب و وضعیت سیاسی در ایران تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

جلوگیری از این امر است.

اما این تلاش‌ها نیز، مانند دیگر سرکوبگری‌های گذشته دردی از حکومت دوا نخواهد کرد. نفس این تلاش‌ها نشان می‌دهد برآمد دیگری در راه است. در نهایت همه چیز برمی‌گردد به عزم و اراده مردم و فعالیت‌ها، سازماندهی‌ها، فراخوان‌ها، و کلاً تدارکات عملی که در سطح وسیعی دارد توسط فعالین عرصه‌های مختلف مبارزه انجام می‌شود. از جنبش دادخواهی بگریزید تا جنبش جوانان، دانشجویان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان و دیگر بخش‌های معترض جامعه، تشکل‌های مبارزاتی با سابقه و تشکل‌های شکل گرفته در دل انقلاب، همه دست‌اندرکار سازماندهی سراسری به مناسبت سالگرد انقلاب هستند و دارند خودشان را آماده می‌کنند برای شکل دادن به یک تعرض کاملاً قدرتمند و کوبنده علیه جمهوری اسلامی.

مجموعه اینها حاکی از آن است که به احتمال بسیار قوی ما شاهد دور جدیدی از انقلاب زن، زندگی، آزادی، خواهیم بود.

حسن صالحی: مقامات حکومتی مدعی هستند که اگر بتوانند سالگرد کشته شدن مهسا را آرام یا حتی بدون تشدید اعتراضات از سر بگذرانند انقلاب را شکست داده‌اند. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: حکومت تا به حال بارها ادعا کرده است که انقلاب تمام شد و همه چیز تحت کنترل است و غیره ولی چند روز نگذشته که رجزخوانی‌هایشان را فراموش کرده و به طرح‌های تازه، و به همان اندازه عبث، علیه "نآرایی‌ها" روی آورده‌اند. درمانده‌اند که چگونه تعرض جامعه و استیصال و بی‌افقی حکومت خود را در برابر انقلابی که سر باز ایستادن ندارد، حتی برای نیروهای سرکوبگر خودشان توضیح بدهند و توجیه کنند. از جمله این گفتمان که انقلاب تمام شده و یا داریم تماشای می‌کنیم آن قدر نخ‌نما شده که خود گویندگانش هم حتی به آن باور ندارند. اینها از مدت‌ها قبل خواستند و تمام نیروهایشان بکار گرفتند تا مگر انقلاب و جنبش توده‌ای مردم را به عقب برانند و الان دارند به درماندگی‌شان اعتراف می‌کنند. به نظر من اینکه می‌گویند اگر در این سالگرد اتفاقی نیفتد انقلاب تمام شده بیشتر دل‌خوشی دادن به خودشان است. دارند به نیروهای سرکوبگرشان دل‌داری می‌دهند که این دیگر آخرین نبرد است، خودتان را آماده کنید که اگر این یکی را بزنیم و بکوبیم اعتراضات تمام

حسن صالحی: در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی هستیم و مردم و حکومت خودشان را برای تقابل جدید دیگری آماده می‌کنند. از یک طرف مردم و فعالین در پی آغاز موج دوم انقلاب هستند و از طرف دیگر رژیم در هراس از این امر دستگیری‌ها و بگیر و ببندها را تشدید کرده است. در این مصاحبه می‌خواهیم در مورد تأثیرات و نتایج و دستاوردهای تا کنونی انقلاب و همچنین چشم‌انداز و سیر احتمالی آتی آن صحبت کنیم.

حمید تقوایی اجازه بدهید اول این سؤال را مطرح کنم که باتوجه به اینکه بسیاری از فعالین سالگرد انقلاب را فرصت مناسبی می‌دانند برای تعرض سراسری دیگری به حکومت و در عرصه‌های مختلف مشغول تدارک سالگرد انقلاب هستند، به نظر شما چه قدر امکان هست که ما شاهد موج تازه‌ای در روند اعتراضات باشیم؟

حمید تقوایی: نکته اول این است که در یک سال اخیر اعتراضات گسترده علیه حکومت به اشکال مختلف در جریان بوده است. گرچه در ماه‌های اخیر تجمعات خیابانی و تظاهرات افت کرده است؛ ولی اعتراضات در اشکال دیگری ادامه داشته است؛ بنابراین صحبت بر سر برآمد تازه‌ای در این روند یک‌ساله است و این امر بسیار محتمل است. همه چیز حاکی از آن است که شاهد برآمد و موج اعتراضی تازه‌ای خواهیم بود. بحث تنها بر سر یک روز، روز ۲۵ شهریور، نیست، بلکه به نظر من کلاً یک سال پس از قتل مهسا انقلاب فرصت‌ها و شرایط بسیار مساعدتری برای پیشروی خواهد داشت. یک نمونه سالگردهاست؛ سالگردهای جان‌باختن عزیزانمان به دست جلادان حاکم. سالروز مرگ مهسا و یادبود او، شروع این روند است، و بعد بزرگداشت نیکاکاها و ساریناها و کیان‌ها و خدانورها و همه جان‌باختگان در یک سال اخیر. مردم سالگردها را، همانطور که تا کنون شاهد بودیم، تبدیل خواهند کرد به گردهمایی‌های اعتراضی و تعرض بیشتر علیه جانیان حاکم. حکومت هم از همین در هراس است. به همین دلیل است که از هم اکنون اعمال فشار و تهدید و بازداشت خانواده‌های جان‌باختگان را آغاز کرده است. حتی به گورستان‌ها و مزار کشته‌شدگان حمله می‌کند، دور گورستان‌ها حصار می‌کشد و دوربین کار می‌گذارد و سنگ قبرها را تخریب می‌کند و غیره. جلادان حاکم می‌دانند که با شروع سال دوم انقلاب زنجیره مراسم‌های سالگرد جان‌باختگان انقلاب نیز آغاز می‌شود و گورستان‌ها به مرکز شعله‌ور شدن مجدد انقلاب تبدیل خواهند شد و تمام تلاش‌شان

در تاکتیک‌ها، در تبلیغات، در مواضع، در سیاست‌گذاری‌ها و موضع‌گیری‌های حکومت، و از آن طرف در اعتراضات و مبارزات یک جامعه بپا خاسته بروز پیدا می‌کند.

تا آنجا که به اعتراضات مردم برمی‌گردد، می‌بینید که امر سرنگونی و به چالش کشیدن کل حکومت، نه فقط در شعارها و در دیوارنویسی‌ها، بلکه در بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و فراخوان‌ها، و در مدیای اجتماعی، خیلی علنی و صریح و مستقیم بیان می‌شود. مردم دردها و مشکلات زیادی دارند. تورم و گرانی و مسائل معیشتی، سلطه سیاه مذهب، انواع تبعیضات و بی‌حقوقی‌ها، سرکوب و اعدام و زندان، همه اینها مسئله مبرم مردم است؛ ولی همه می‌دانند که برای پایان بخشیدن به همه این مصائب باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. حل همه مشکلات گره‌خورده است به نابودی جمهوری اسلامی.

از این رو نه وضعیت جامعه نرمال و متعارف است و نه در نتیجه سیاست‌ها و عملکرد حکومتی که ناگزیر است در مقابله با این شرایط بقای خود را حفظ کند. مثلاً زمانی یارانه‌ها مطرح بود، برجام مطرح بود، سیاست‌های مختلف حکومت در رابطه با مثلاً سطح دستمزدها و نرخ ارز و تخریب محیط‌زیست و مسائل فرهنگی و غیره مطرح بود، اما الان همه اینها کنار زده شده و مواضع و عملکرد حکومت در تمام عرصه‌ها معطوف شده است به سرکوب انقلاب و حفظ خودش در قدرت. از هزینه‌های میلیاردی برای اربعین تا لایحه حجاب و عفاف و کشمکش بر سر آن، تجدید رابطه با عربستان و سایر مواضع منطقه‌ای حکومت، سخنرانی‌ها و اظهارنظرهای خامنه‌ای و ائمه جمعه و دیگر مقامات حکومت و غیره و غیره، مضمون همه اینها نشان‌دهنده دست‌وپازدن‌های یک حکومت در حال سقوط برای بقا است.

در یک‌ساله اخیر حکومت از هیچ جنایتی علیه مردم فروگذار نکرده است. به چشم‌ها شلیک کردند، زندان اوین را به آتش کشیدند، معترضین را به گلوله بستند، ده‌ها نفر را اعدام و هزاران نفر را دستگیر کردند، به مزار جان‌باختگان یورش بردند و خانواده‌های آنها را تحت انواع فشارها قرار دادند و جنایات وحشیانه‌ای مرتکب شدند که حتی در کارنامه‌ها زرتین دیکتاتورهای بی‌سابقه است و با این همه هر روز حکومت ضعیف‌تر و مستأصل‌تر، و صف انقلاب تعرضی‌تر و قدرتمندتر شده است.

به این معنی جامعه در وضعیت و یک بحران انقلابی به سر می‌برد، انقلاب در جریان است و در اشکال مختلفی به پیش می‌رود. این روند، همانطور که بالاتر تأکید کردم، می‌تواند تنها و تنها با به زیر کشیده شدن جمهوری اسلامی به فرجام برسد.

حسن صالحی: آخرین سؤال من این است که سیر آتی اوضاع را چگونه می‌بینید؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتم، جمهوری اسلامی امروز با یک بحران حکومتی همه‌جانبه روبروست. این بحرانی ناشی از مثلاً رکود اقتصادی و یا یک کودتا و یا یک رسوائی سیاسی و امثال اینها نیست. این بحران را مردم ایجاد کرده‌اند. این یک بحران انقلابی است. مردم عزم جزم کرده‌اند که این حکومت را به زیر بکشند و هر چه این روند در این یک‌ساله بیشتر پیشرفته این تقابل هم عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر شده. هر انقلابی افت‌وخیز دارد. انقلاب جاری هم همین‌طور است. ولی در نفس اینکه این انقلاب زنده است و ادامه‌دار و پیگیر است تردیدی نیست.

چشم‌اندازی که این وضعیت در مقابل ما قرار می‌دهد این است که جامعه آستان تحولات زیروروکننده‌ای است. این بحران همه‌جانبه حکومتی باید حل بشود و راه‌حل هم تنها می‌تواند سرنگونی حکومت باشد. راه دیگری وجود ندارد. وقتی بحران ریشه‌اش نفس موجودیت یک حکومت است، تنها

تداوم انقلاب و وضعیت سیاسی در ایران
از صفحه ۲

می‌شود و همه چیز بر وفق مراد می‌شود. من فکر نمی‌کنم حتی خودشان به این حرف‌ها باور داشته باشند. این را باید بخشی. از تبلیغات حکومت دانست آن هم خطاب به نیروهای خود حکومت. برای بسیج کردن، برای روحیه دادن، برای در میدان نگه داشتن نیروی سرکوبگری که می‌دانند کاملاً متزلزل و در حال فروپاشی است. این تبلیغات بیشتر هراس و نگرانی و درماندگی حکومت را نشان می‌دهد تا واقعیتی را.

حسن صالحی: اما این واقعیتی است که تظاهرات و تجمعات اعتراضی در داخل و خارج کشور در ماه‌های اخیر فروکش کرده است. آیا این امر نشانه‌ای از سیر عادی شدن شرایط سیاسی در ایران نیست؟

حمید تقوایی: بله این واقعیتی است؛ ولی انقلاب تنها با معیار تظاهرات و تجمعات خیابانی ارزیابی نمی‌شود. اعتراضات و تظاهرات البته فاکتور مهمی است که همانطور که صحبت کردیم می‌رویم به این سمت که این شکل مبارزه هم برآمد دیگری داشته باشد، ولی حتی اگر این‌طور هم نشود انقلاب همچنان در عرصه‌های مختلف ادامه دارد. امروز به‌عنوان نمونه مسئله حجاب و بی‌حجابی یکی از آن عرصه‌های مهمی است که مردم دارند در یک سطح سراسری تعرض می‌کنند. از طرف دیگر ما می‌بینیم که اعتصابات و اعتراضات کارگری در بخش‌های مختلف بخصوص در بخش نفت ادامه دارد. تجمعات بازنشستگان ادامه دارد، شعارنویسی‌ها ادامه دارد، ما شاهد جشن‌های خیابانی حتی در ماه محرم بودیم، شاهد بودیم که چطور مردم مقدسات و تابوهای اسلامی را، در شرایطی که حکومت تصور می‌کرد به نفع خودش می‌تواند بهره‌برداری کند، شکستند و پایه‌های ایدئولوژیک حکومت را به لرزه درآوردند. برای اولین بار در جمهوری اسلامی در ماه محرم مردم با لباس سفید و زنان بدون حجاب به خیابان‌ها آمدند و حتی نوحه‌ها تبدیل شد به شعارهای اعتراضی علیه حکومت. اینها همه نشان می‌دهد که جامعه در تبوتاب است، در جوش و خروش است، ساکت ننشسته و مدام عرصه‌های نبرد جدیدی در مقابل حکومت باز می‌کند.

از طرف دیگر شما تاکتیک‌های حکومت را ببینید، تمام تلاش‌هایشان این است جلوی این حرکت را بگیرند. نه حکومت یک وضعیت نرمال و عادی دارد و نه جامعه. ما کلاً در شرایطی هستیم که مردم می‌خواهند با حکومت تعیین تکلیف نهایی بکنند، می‌خواهند حکومت را پائین بکشند. یعنی در یک شرایط انقلابی و بحران و اعتلای انقلابی. پایان این انقلاب و خیزش توده‌ای که با قتل مهسا شروع شد فرجامش تنها می‌تواند سرنگونی حکومت باشد. این انقلاب از پای نخواهد نشست تا به این هدف برسیم.

حسن صالحی: کلاً از شرایط سیاسی در ایران چه ارزیابی‌ای دارید؟ نتایج و دستاوردهای مبارزات یک‌ساله اخیر و تأثیرات آن بر موقعیت حکومت، روحیات مردم و رابطه جامعه با حکومت چه بوده است؟

حمید تقوایی: من در نوشته دیگری تأکید کرده‌ام که مهم‌ترین دستاورد و نتیجه انقلاب این است که صورت مسئله بودنبود جمهوری اسلامی را به مسئله مبرم و فوری جامعه و حکومت تبدیل کرده است.

امروز شرایط سیاسی در ایران، از سیاست‌ها و عملکرد حکومت حتی در عرصه سیاست خارجی بگیرد تا مشغله اصلی مردم و اعتراضاتشان همه‌وهمه محوریت حکومت جمهوری اسلامی و بودنبود آن است. حکومت تلاش می‌کند که خودش را در قدرت نگه دارد و مردم برعکس، می‌خواهند از شر این نظام و حکومت اسلامی خلاص شوند. این صورت مسئله و شکل‌دهنده کل فضای سیاسی جامعه است که هر روزه

بحران محیط زیستی در آذربایجان و اعتراضات مردمی

کاوه راد

سال گذشته نیز وجود ماده ارزشمند و بسیار نادر "لیتیوم" در دریاچه ارومیه نیز خبرساز شد. تجارت نیوز در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ در یادداشتی تحت عنوان "نخستین معدن لیتیوم در ایران کشف شد/ دست‌اندازی به دریاچه ارومیه پایان می‌یابد؟" از زیان کارشناسان می‌نویسد: "پیش‌بینی می‌شود میزان لیتیوم در این دریاچه به میزان است که بتواند تمام تقاضای آینده پیش‌بینی‌شده ایالات متحده و ۴۰ درصد تقاضای جهان را برآورده کند."

صدای آمریکا نیز در هشت شهریور سال ۱۳۹۰ گزارش داده بود که رژیم جمهوری اسلامی به دنبال استخراج اورانیوم از دریاچه ارومیه است. هرچند مسئولان رژیم وجود معادن اورانیوم در منطقه را رد کرده بودند؛ اما چند روز پیش، مجتمع "شهید مهدی باکری" به‌عنوان بزرگ‌ترین معدن اورانیوم غرب ایران در محدوده معدنی جنگسر. خوی با حضور معاون رئیس‌جمهور، رئیس سازمان انرژی اتمی و استاندار آذربایجان غربی افتتاح شد. معدنی که علاوه بر منافع اقتصادی، به لحاظ نظامی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

عدم جدیت رژیم در احیای دریاچه و گمانه‌زنی برای خشکاندن عمدی دریاچه تنها به موارد اشاره شده فوق ختم نمی‌شود. عیسی کلانتری رئیس سابق ستاد احیای دریاچه ارومیه در مصاحبه با خبرگزاری انتخاب در تاریخ ۹ خرداد سال جاری گفته است که مصرف آب کشاورزی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه در دهه‌های اخیر ۵ برابر شده است. همچنین وی عنوان کرده است که فقط ۳ درصد اعتبارات احیای دریاچه ارومیه توسط دولت سیزدهم تخصیص داده شده



است.

به هر ترتیب این مردم منطقه هستند که با عوارض جبران‌ناپذیر خشکاندن دریاچه ارومیه مواجه خواهند شد. بر همین اساس برخی از فعالین و گروه‌های سیاسی در آذربایجان فراخوانی برای اعتراضات مردمی در تاریخ ۵ شهریور داده‌اند تا مانع از اقدامات مخرب بیشتر در حوزه محیط‌زیست توسط رژیم جمهوری اسلامی شوند. تظاهرات پیشرواز دو جنبه حائز اهمیت است. از یک سو این تظاهرات در آستانه سالگرد خیزش زن زندگی آزادی خواهد بود و از سوی دیگر این اعتراضات برای بحرانی است که اینک سراسر کشور را درگیر خودکرده است و می‌تواند به نقاط دیگر نیز سرایت کند؛ لذا این اعتراضات شاید بتواند جرقه اعتراضات سراسری جدید در سال جاری باشد. *

حفظ محیط‌زیست و تلاش برای پایداری آن از اهمیتی حیاتی برای سلامت و اقتصاد جوامع برخوردار است. اما عملکرد رژیم جمهوری اسلامی در حوزه محیط‌زیست باعث شکل‌گیری بحرانی بزرگ در ایران شده که حتی یکی از خوش‌آب‌وهواترین مناطق ایران یعنی استان‌های شمال غربی را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است. بحران محیط‌زیستی موجود در این منطقه تنها به دریاچه ارومیه که ۳ درصد وسعت ایران را شامل می‌شود، ختم نمی‌شود. در منطقه قره‌داغ در سونگون نیز برای استخراج مواد ارزشمند معدنی، محیط‌زیست منطقه را دچار بحران بزرگی کرده‌اند. نمونه دیگر جنگل فندقلو در اردبیل است. این جنگل منحصر به فرد، یکی از لکه‌های نادر جنگلی در کره زمین و تنها لکه بازمانده از جنگل‌های اولیه قبل از دوران یخبندان محسوب می‌شود که ارزشی منحصر به فرد دارد. اما متأسفانه شاهد تخریب این جنگل برای تهیه زغال‌چوب و ساخت ویلا هستیم که در سال‌های اخیر تسریع نیز شده است.

اما شاید ملموس‌ترین بحران محیط‌زیستی در آذربایجان، کمبود شدید آب و خشک‌شدن دریاچه ارومیه باشد که مستقیماً زندگی میلیون‌ها نفر را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. بحرانی که علاوه بر بیکار نمودن هزاران کشاورز و به خطر انداختن امنیت غذایی کشور، باعث شده است تا به سبب طوفان‌های نمکی حاصل از خشک‌شدن دریاچه ارومیه، حداقل ۱۰ میلیون نفر مجبور به مهاجرت شوند. قطعی مداوم آب و حتی چندروزه در برخی مناطق تبریز از جمله منطقه باغمیشه این شهر نیز سبب اعتراضات گسترده و در

برخی موارد تظاهرات مردمی در مقابل ادارات دولتی شده است. مشکلی که البته محدود به شهرهایی نظیر تبریز نبوده و حتی در ماه‌های اخیر شاهد آبرسانی با تانکر برای ده‌ها روستا در این منطقه بوده‌ایم. بسیاری از کارشناسان با استناد به برخی آمار عدم مدیریت صحیح در حوزه آب را عامل بحران موجود می‌دانند. به‌عنوان مثال بهره‌وری آب در بخش کشاورزی در ایران یک‌چهارم کشورهای توسعه‌یافته است. همچنین بیش از ۹۰ درصد آب شیرین در بخش کشاورزی مصرف می‌شود در حالی که سهم این بخش از اقتصاد کمتر از ۱۰ درصد است. اما برخی دیگر بحران موجود در این منطقه را بحرانی می‌دانند که رژیم جمهوری اسلامی تعمداً ایجاد کرده است.

روزنامه همشهری در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۹۳ طی مقاله‌ای با عنوان "نمک دریاچه ارومیه باید برداشت شود؛ دو دلیل مهم ارزش اقتصادی نمک دریاچه ارومیه را حدود ۱۰۰ میلیارد دلار عنوان کرده است. اسفند

در حاشیه عضویت جمهوری اسلامی در بریکس



محمد شکوهی

این هفته پانزدهمین اجلاس کشورهای موسوم به "بریکس" در شهر ژوهانسبورگ پایتخت آفریقای جنوبی برگزار شد. این نشست سه روز بوده و در بیانیه پایانی اش اعلام کرد که با عضویت شش کشور، یعنی جمهوری اسلامی، عربستان، امارات، آرژانتین، مصر و اتیوپی در این گروه موافقت کرده و این کشورها از سال آینده رسماً عضو بریکس خواهند شد.

در روز اول این نشست سران چین و برزیل در سخنرانی‌هایشان بر تقویت نفوذ کشورهای قدرتمند این گروه تأکید کردند. پوتین به خاطر اینکه حکم جلب جهانی دارد در این نشست شرکت نکرد پیام ویدئویی داد. رئیسی به عنوان مهمان در این نشست شرکت کرده بود. قبلاً هم مسکو و پکن به رژیم قول داده بودند که تلاش خواهند کرد جمهوری اسلامی به عضویت بریکس پذیرفته شود. رسانه‌ها گزارش دادند یکی از محورهای مهم نشست سران بریکس گسترش نفوذ این گروه است و این گروه با جلب اعضای جدید، در نظر دارد "تعادلی در برابر سلطه ژئوپلیتیک و اقتصادی غرب ایجاد کند".

اما بریکس چیست؟ چقدر نفوذ سیاسی و اقتصادی در جهان دارد؟

بریکس از سوی چهار کشور برزیل، روسیه، هند، چین و یک سال بعد آفریقای جنوبی باهدف گسترش همکاری‌های اقتصادی در اواسط سال ۲۰۰۹ بنیان‌گذاری شد. یکی از اهداف مهم این جمع اولیه ایجاد اتحادیه کشورهای

عضو، به عنوان یک قطب اقتصادی مقابل غرب و به‌ویژه آمریکا است. بر اساس داده‌های بانک جهانی و نهادهای بین‌المللی، کشورهای بریکس در مجموع، حدود ۴۰ درصد جمعیت، ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی و حدود یک‌سوم خاک دنیا را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین تولیدکنندگان کالا، خدمات و مواد خام در دنیا هستند. ذخایر عظیم و متنوع منابع طبیعی و زیرزمینی از جمله انرژی و عناصر کمیاب دارند و نیروی کار فراوان و ارزان و هزینه پایین تولید.

تا آنجایی که به وزن اقتصادی این گروه بر می‌گردد، چین وزنه اقتصادی مهمی است که در سال‌های اخیر در تلاش بوده محور روسیه و چین را در آفریقا و در بخش‌هایی از کشورهای آسیایی، به عنوان قطب رقیب آمریکا و غرب سروسامان بدهد. روسیه به دلایل سیاسی و اختلافاتش با غرب، به‌ویژه بعد از حمله به اوکراین، تلاش‌های زیادی می‌کند که از نظر سیاسی تأثیری در جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی این گروه نگذارد. هند و برزیل علی‌رغم افت‌وخیزهایی که در سال‌های اخیر در سیاست‌های خارجی‌شان و جهت‌گیری‌های سیاسی جهانی داشته‌اند، اساساً در کمپ غرب بوده‌اند.

با حمله روسیه به اوکراین این کشورها موضع به‌ظاهر بی‌طرفی گرفته و در برابر تحریم‌های آمریکا و غرب علیه روسیه و بخشا جمهوری اسلامی مقاومت کرده و عملاً تبدیل شدند به کشورهایی که موجبات دوزدن تحریم‌های روسیه و ایران را فراهم ساختند. به این معنا چین، برزیل و هند و در کل همه کشورهای این گروه، در این دوره بیشتر یک اتحاد سیاسی در برابر آمریکا و غرب را داشتند تا تلاش برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی برتر جهان؛ بنابراین وزن اقتصادی اینها هنوز تا آن حد قدرتمند و تعیین‌کننده نیست که بتوانند به عنوان یک قدرت مهم اقتصادی در مقابل آمریکا و غرب قد علم بکنند. بیشتر به یک پز و ژست می‌ماند.

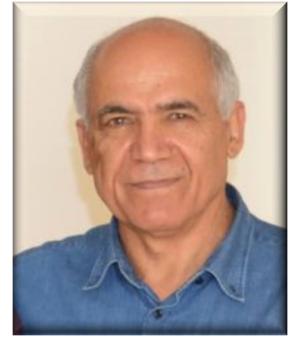
آنچه که تاکنون از این گروه در سطح جهان، دیده شده بیشتر یک "اتحاد سیاسی" علی‌رغم اختلافاتی که با هم دارند، در مورد مسائل جهانی، به‌ویژه در برابر سیاست‌های آمریکا و غرب و در مخالفت با سیاست‌های قطب مقابل، یعنی غرب بوده است. قدرت‌نمایی سیاسی این بلوک در نهادها و سازمان‌های جهانی، نظیر سازمان ملل و زیرمجموعه‌هایش، عمدتاً مخالفت با تصمیمات این نهادها، و گرفتن ژست حمایت از کشورهای "مستقل در برابر زورگویی آمریکا و غرب" بوده است.

تلاش‌های کشورهای هسته اصلی تعیین‌کننده این گروه مبنی بر عضویت کشورهای سابق عضو "بلوک عدم تعهد"، بلوک کشورهای جهان سوم در دوره جهان دوقطبی سابق در چند دهه گذشته و بلوک کشورهای اسلامی در دو دهه اخیر، با لابی‌گری روسیه و چین برای عضویت جمهوری اسلامی و

عربستان، دو قطب تروریسم اسلامی مطرح در منطقه، تازه‌ترین چرخش‌های سیاسی این گروه در صف آرایی در مقابل قطب آمریکا و غرب است. "ضد غربی بودن و تکیه بر شرقی بودن" در رقابت‌های جهانی و منطقه‌ای، یک هویت مهم این گروه بود و در تلاش است مجموعه کشورهای جهان‌سومی و کمتر توسعه‌یافته را به این گروه جذب نماید.

سیاست "اتحاد علیه غرب و رشد شکوفایی سیاسی و اقتصادی شرق"، به عنوان چسب وحدت سیاسی این گروه در نشست این هفته دوباره تأکید شد. هر چند ترکیب این کشورها بعضاً شامل دوستان آمریکا و غرب هم می‌شود، اما اساساً یک قطب سیاسی مقابل غرب به حساب می‌رود. چین و روسیه موتور محرکه این قطب بوده و در کنار آن هند و برزیل هم از دوستان و مدافعان جمهوری اسلامی به همراه کشورهای معروف به بلوک عدم تعهد هستند. وزن سیاسی اینها در تصمیم‌گیری‌های نهادهای جهانی تا کنون بی‌تأثیر نبوده است. همه این کشورها چه آنهایی که از قبل در گروه بودند و چه شش کشورهایی که الان به این گروه پیوسته‌اند، یک سیاست اصلی‌شان مخالفت با





بی‌حجابی اقتدار حکومت را درهم شکسته است پاسخ اصغر کریمی به یک سؤال

انترناسیونال: جنبش ضد حجاب در ایران گسترده است و توجه وسیعی را به خود جلب کرده است. حکومت تلاش دارد با نیروی انتظامی و دستگیری و تهدید و ارباب این جنبش را عقب بزند. شما جنبش علیه حجاب را چگونه می‌بینید و از نظر شما اهمیت آن چیست و چه ارزیابی‌ای از این جنگ و تقابل دارید؟

اصغر کریمی: اولین نکته مهم این است که بی‌حجابی در ایران نهادینه شده و به عقب برنمی‌گردد. با هیچ درجه سرکوبی برنمی‌گردد. نکته دیگر اینکه مسئله فراتر از بی‌حجابی صرف است. فرهنگ مردسالاری در جریان انقلابی که از ۲۵ شهریور سال قبل شروع شد به شدت ضربه خورده و موقعیت زنان در خانواده و در جامعه به جای دیگری رفته است. زانی که در خط مقدم انقلاب در مقابل حکومت ایستادگی کردند، در مقابل فرهنگ مردسالارانه نیز با توانایی و اعتماد به نفس متفاوتی شروع به مقاومت کردند و فضای خانواده‌ها دستخوش تغییراتی مهمی شده است. این فاکتورها زیرآب فرهنگ و سنت‌ها و قوانین و بنیادهای سیاسی و ایدئولوژیک حکومت را زده است.

این وضعیت ادامه چند دهه مبارزه بی‌امان زنان و کل جامعه با حکومت است. تا قبل از شروع انقلاب زن زندگی آزادی، چندین نسل مبارزه کرده، هزینه غیر قابل توصیفی داده بودند و عقب‌نشینی‌های زیادی به حکومت تحمیل کرده بودند. اما با شروع انقلاب اوضاع به نقطه بی‌بازگشتی رسید. انقلاب که زنان خود در خط مقدم آن بودند، چنان قدرتمند بود که تأثیرات زیور و روکنده‌ای در اوضاع سیاسی جامعه و قبل از هر چیز در موقعیت زنان در جامعه گذاشت. اجازه بدهید به طور فشرده به سیر این جنگ و تقابل میان حکومت و بی‌حجابان و برخی نقطه عطف‌ها اشاره کنم تا تصویر روشن‌تری از این جدال عظیم اجتماعی و اهمیت آن داده شود.

بعد از اینکه تظاهرات‌های خیابانی فروکش کرد رژیم به طور متمرکزتر سراغ مسئله بی‌حجابی که به اصلی‌ترین نماد انقلاب تبدیل شده بود، رفت. در طول انقلاب بی‌حجابی گر گرفته بود. حجاب‌ها به آتش کشیده شد. بی‌حجابی در سراسر کشور از شهرها تا روستاها ابعادی توده‌ای پیدا کرد. زنان در موقعیت تعرضی‌تری قرار گرفتند. گشت ارشاد و مزدوران نهی‌ازمنکر از خیابان‌ها جمع شدند و رژیم از تقابل با زنان بی‌حجاب در خیابان به شدت ناتوان شد. در چهارشنبه‌سوری و نوروز و سیزده‌بدر باز هم ابعاد بی‌حجابی وسیع‌تر شد و رقص جمعی زنان بی‌حجاب و مردان دیوارهای آپارتاید جنسیتی را فروریخت. در چنین مقطعی بود که در روز ۲۵ فروردین رادان، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی، اعلام کرد که از شنبه ۲۶ فروردین نیروی انتظامی به مدت سه روز در حوزه معابر عمومی و خودرو و اماکن تجاری به زنان بی‌حجاب تذکر لسانی می‌دهند و آنها را به مراجع قضایی معرفی می‌کنند. پاسخ مردم به رادان کوبنده بود. وقتی به تهدید او نگذاشتند. شنبه‌های بی‌حجابی اعلام شد و ۱۲ تشکل دانشجویی از شهرهای مختلف در فراخوانی از دانشجویان سراسر کشور خواستند که در مقابل نیروهای سرکوب ایستادگی کنند و این خاکریز اول حکومت را که در طی انقلاب فتح شده است حفظ و تثبیت کنند. این فراخوان بسیار هوشیارانه و بموقع بود و با استقبال وسیعی در جامعه روبرو شد. به دنبال آن ۵۰ تشکل جوانان و دانشجویان و زنان کمپین

تابستان سخت برای جمهوری اسلامی و فراخوان به بی‌حجابی سراسری با پرچم منشور مطالبات پیشرو زنان را اعلام کردند. بی‌حجابی کمتر نشد؛ بلکه بر دامنه‌اش افزوده شد و فراخوان رادان با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد. ۲۶ فروردین به نقطه عطفی در مبارزه علیه حجاب تبدیل شد. ناتوانی حکومت برای مردم عیان‌تر شد و حکومت در موقعیت دشوارتری قرار گرفت. لایحه نیم‌بند حجاب و عفاف که توسط قوه قضاییه به دولت و از دولت به مجلس ارجاع شد محصول این توازن قوای جدید بود.

امروز بی‌حجابی بارزترین جلوه انقلاب برای سرنگونی حکومت است. محمد دهقان معاون حقوقی رئیسی نکته درستی گفته بود که "اگر قرار باشد در کشور حجاب نباشد اصلاً جمهوری اسلامی خیلی معنا پیدا نمی‌کند." حجاب سمبل حکومت اسلامی است. اما این سمبل زیر سؤال رفته و این سنگر و خاکریز مهم توسط زنان و با زور انقلاب درهم‌شکسته است. وجود حتی یک زن بی‌حجاب در روز روشن در خیابان‌های کشور یعنی "بی‌معنا شدن" و زیر سؤال رفتن جمهوری اسلامی. حالا این را ضریدر میلیون‌ها مورد بی‌حجابی و مقابله جانانه بی‌حجابان با اوباش حکومت کنید تا معنی جنبش بی‌حجابی روشن‌تر شود. هر کس پا به خیابان می‌گذرد با مشاهده اولین زن بی‌حجاب متوجه می‌شود که اوضاع جامعه عادی نیست و انگار اسلام از قدرت پایین کشیده شده. این از نظر روان‌شناسی جامعه و همین‌طور تأثیرات مخرب آن روی حکومت و انواع و اقسام نیروهای آن اهمیت بسزایی دارد. همه می‌بینند که اقتدار رژیم درهم‌شکسته است. حتی اگر خبری از اعتصابات و اعتراضات هر روزه مردم بر سر نان‌وآب و مراسم‌های بزرگداشت جان‌باختگان و شعارنویسی‌های هر روزه و هزار جور دهن کجی و مبارزه دیگر در کار نبود، نفس بی‌حجابی یعنی یک انقلاب و کشمکش عظیم اجتماعی در کشور جریان دارد. یعنی در میانه یک انقلاب هستیم و در زمینه حجاب قدرتی دوگانه برقرار شده است و حکومت که زمانی یک ذره بیرون بودن موی زنان را با اسید و شلاق و زندان جواب می‌داد، در حالت هزیمت قرار گرفته است.

خلاصه کنم، جنبش توده‌ای و نهادینه شده بی‌حجابی بر متن انقلاب زن زندگی آزادی، همه فاکتورهای سیاسی را دگرگون کرده است. مردسالاری جان‌سخت و مزمن مورد هجوم قدرتمند زنان و مردان مدرن و پیشرو قرار گرفته، دیوارهای آپارتاید جنسی، شکسته شده، خاکریز سیاسی و ایدئولوژیک حکومت درهم‌ریخته و اقتدار حکومت تماماً زیر سؤال رفته است. تشنّت در سر تا پای حکومت عمیق‌تر شده و ریزش در سطوح مختلف حکومت ابعادی تازه گرفته است. این کشمکش و این جنگ عظیم و تاریخی به مثابه وجهی و ستونی از انقلاب تا سرنگونی حکومت ادامه خواهد یافت. نه زنان حاضرند کوتاه بیایند و دستاورد تا همین جای خود را پس بدهند و نه حکومت می‌تواند رسماً با بی‌حجابی کنار بیاید.

حکومت از همه طرف دچار بحران است، از خیزش گرسنگان و عروج جنبش کارگری نگران است، جنبش دادخواهی حتی یک روز فروکش نکرده و با شروع انقلاب بار دیگر اوج می‌گیرد، دانشجویان، جوانان و زنان دارند خود را برای سالگرد انقلاب آماده می‌کنند، حکومت در سطح منطقه

سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی پاسخ شهلا دانشفر به یک سؤال



انترناسیونال: شهلا دانشفر به سالگرد انقلاب زن زندگی نزدیک می‌شویم و جنب‌وجوش وسیعی در جامعه در جریان است. حکومت هم وسیعاً نیرو بسیج کرده که مانع ادامه انقلاب و فوران خیزش‌های خیابانی شود. شما اوضاع جامعه را در این روزها و پیامی را که در بر دارد چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شهلا دانشفر: گرامیداشت سالگرد انقلاب یعنی اعلام عزم راسخ مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب و همانطور که اشاره کردید هم اکنون ما شاهد جنب‌وجوش وسیعی در جامعه در آستانه یک‌سالگی انقلاب زن زندگی آزادی هستیم. همانطور که می‌دانید جمهوری اسلامی با تشدید سرکوبگری‌هایش تلاش کرد اعتراضات خیابانی را عقب بزند، اما علی‌رغم این سرکوبگری‌ها انقلاب در اشکال دیگر مبارزاتی تداوم یافت و تعمیق و تعین بیشتری پیدا کرد. یک نمونه بارز این تعمیق و تعین انقلاب منشور دوازده بندی خواست‌های حداقلی بیست تشکل است که به طور واقعی مانیفست انقلاب و پرچم اتحاد مبارزاتی مردم است. منشور مطالبات پیشرو زنان و بیانیه‌های اعتراضی تشکل‌های مختلف مبارزاتی مردمی از کارگران و معلمان گرفته تا دیگر بخش‌های اجتماعی علیه سرکوبگری‌های حکومت و به مناسبت‌های مختلف، دیگر نمونه‌های آن است.

تداوم انقلاب بدین ترتیب حکومت را وحشت‌زده، فرسوده و صفوف آن را درهم‌ریخته کرده است. این را در اظهارات خود حکومتیان به روشنی می‌شود دید و وقتی به جامعه نگاه می‌کنید جدالی تمام‌عیار در تمام عرصه‌های مبارزاتی مردمی جاری است. به طور مثال حجاب یک سنگر فتح شده انقلاب است و حکومت تمام تلاش خود را بکار برده تا این سنگر را از دست مردم بازپس بگیرد. از جمله از ۲۵ تیرماه گشت‌های ارشادشان را با اسکورت نیروی انتظامی و گشت‌های خودرویی و پیاده به خیابان آوردند. در برابر مقابله جانانه زنان و موج پی‌جایی در خیابان‌ها بر دستگیری‌ها و سرکوبگری‌هایشان شدت دادند. صدور احکام عقب‌مانده و وحشیانه‌ای چون محکومیت زنان معترض به شستن اموات، ارجاع به پزشک روانی، پیگرد قضایی از طریق شناسایی با دوربین‌های مداربسته، تعطیل برخی شرکت‌ها که کارمندان زن آنها تن به حجاب اجباری نداده بودند، پلمب کردن برخی مغازه‌ها، جریمه‌های نقدی بالای ۱۵۰ میلیون‌تومانی، استخدام حجاب‌بانان در متروها و گپ‌دادن به زنان بی‌حجاب، نمونه‌هایی از این تقلاها و سرکوبگری‌هاست و هم‌زمان با افزایش پلمب اماکن به‌خاطر بی‌حجابی، بسیج جمهوری اسلامی طرح ایجاد "شهر حجاب" در تهران و اصفهان را اعلام کرد و بالاخره اینکه همین روزها از پایان بررسی لایحه حجاب اجباری در کمیسیون قضایی مجلس و قرارگرفتن آن در دستور کار جلسه عمومی مجلس خبر دادند. اما در برابر همه این سرکوبگری‌ها و طرح‌ها و لویج سرکوبگرانه حکومت، مردم جانانه ایستاده‌اند و می‌گویند دیگر به عقب بر نمی‌گردیم و شجاعانه از سنگر فتح شده حجاب حراست می‌کنند. در جریان چنین جدال هر روزه در خیابان‌ها بر سر حجاب است که در همین هفته شاهد بازداشت ۱۳ تن از فعالین شناخته شده حقوق زنان در گیلان و حداقل ده نفر در دهلران بودیم و یک کارزار مهم مردمی مبارزه برای آزادی این بازداشت‌شدگان و همین دستگیرشدگان انقلاب است. این چنین است که جدال بر سر حجاب به یک عرصه مهم نبرد با حکومت در

آستانه سالگرد انقلاب تبدیل شده است. یک نماد برجسته این جنبش سپیده‌قلیان این زندانی سیاسی شجاع است که در دادگاهی که در روز ۳۱ مرداد برای او برپا شد تن به حجاب اجباری نداد. از "نیلوفر حامدی" "اللهه محمدی" به‌عنوان خبرنگاران شریف یادکرد و وقتی آمنه سادات ذبیح‌پور این بازجو خبرنگار صدواوسیمای جمهوری اسلامی و شاکتی پرونده قلیان گفت که مردم مرا دوست دارند، از طرف مردم تفی هدیه صورت او کرد. بعد هم گفت که نه برای دفاع از خود که به‌منظور مقاومت برای آن چیزی که مردم با جنبش خود به دست آورده‌اند، در دادگاه شرکت می‌کند. این چنین است که سپیده‌قلیان امروز به نماد دیگری از انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل شده است.

ما همچنین با جنبش قدرتمند دادخواهی روبرویم که سراسری و با تمام قامت ایستاده است. گرامیداشت یاد جان‌باختگان به مناسبت‌های مختلفی چون تولدها و روزهای اعتراضی معین، گل‌باران کردن مزار جان‌باختگان انقلاب و دیدارهای همبستگی خانواده‌های دادخواه با یکدیگر و برنامه‌ریزی برای گرامیداشت سالگرد انقلاب و یاد جان‌باختگان انقلاب همه نشانه‌هایی از حرکت پر صلابت این جنبش به جلو به‌عنوان یک ستون مهم انقلاب است. از همین رو در آستانه سالگرد قتل مهسا امینی و اولین سالروز انقلاب ژینا مأموران امنیتی شروع به دستگیری و تهدید و زندان دادخواهان کرده‌اند و هر روز شاهد خبر دستگیری و تهدید یکی از خانواده‌های دادخواه هستیم. دادخواهان در کانال تلگرامی خود می‌نویسند: "وقتی عزیزانمان را با وقاحت کشتید و به سنگ مزارشان هم رحم نمی‌کنید ما چیزی برای از دست دادن نداریم. هیچ زندان و ترفندی نمی‌تواند ما را از حق دادخواهی مان فروگذارد و تا جان بر بدن داریم با صدای رسا فریاد می‌زنیم: نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم". این چنین است که جنبش دادخواهی صدایش جهانی شده است. از جمله امروز در آستانه اولین سالگرد انقلاب مهسا شاهد صدور بیانیه‌ای از طرف سازمان عفو بین‌الملل هستیم که ضمن اشاره به فشارهای سرکوبگرانه بر دادخواهان و خانواده‌های جان‌باختگان انقلاب و از اینکه حتی به سنگ مزار جان‌باختگان نیز رحم نمی‌کنند خطاب به دولت‌های جهانی می‌نویسد: "باتوجه به نظام‌مند بودن مصونیت از مجازات در ایران، عفو بین‌الملل از همه دولت‌ها می‌خواهد که از صلاحیت قضایی جهانی استفاده کنند و برای مقامات ایرانی از جمله آنهاپی که مسئولیت فرماندهی دارند، حکم بازداشت صادر شود."

جنب‌وجوش اعتراضی دیگر در دانشگاه‌ها این سنگر مهم انقلاب است. جمهوری اسلامی با چماق حجاب به دانشجویان هم حمله کرد و در ۲۴ خرداد بود که بخشی از دانشجویان دانشگاه هنر در اعتراض به حجاب اجباری دست به تحصن زدند و در برابر سرکوب شدید حکومت ایستادند و گفتند "بین ما و مسئولین دریایی از خون است" و در سایه همبستگی سراسری پاسخ "نه" آنان به حجاب به کارزاری همگانی بدل شد که با حمایت همه‌جانبه مردم روبرو بوده است. برای عقب زدن این نیروی مهم انقلاب است که بنا بر خبرها ۲۸۴۳ دانشجو در دانشگاه‌های مختلف کشور حضور یافته و صدها نفر از ورود به دانشگاه و خوابگاه محروم شده‌اند.

بعلاوه اینکه در جاهایی مثل شهرهای کردستان و زاهدان که کانون‌های داغ

سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی
از صفحه ۷

انقلاب بوده‌اند، فشارهای امنیتی بیشتر شده است. از یک‌سو تحرکات برای گرامیداشت سالروز انقلاب بالا گرفته و خصوصاً خانواده‌های دادخواه در جلوی این تحرکات قرار دارند. از سوی دیگر حکومت سرکوبگری‌هایش را بیشتر کرده و در روزهای اخیر تعداد قابل‌توجهی از فعالین سیاسی - اجتماعی و جوانان انقلابی حداقل در ده شهر کردستان دستگیر شده‌اند.

و بالاخره اینکه یک عرصه مهم اعتراض علیه فقر و گرانی و تبعیض و نابرابری و اختلاس‌ها و دزدی‌هاست. اعتراضی که در انقلاب با شعار فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی بازناب یافت و امروز در اعتراضات بازنشستگان با شعار اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد فریاد زده می‌شود. بازنشستگان که با دو شعار کلیدی شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "الشکری، کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد، اتحاد" صف میلیونی مردمی را به اعتراض فرامی‌خوانند. بازنشستگان که سه روز هفته را به اعتراضات خود اختصاص داده‌اند و در این هفته خیابان‌های ۲۵ شهر را به صحنه اعتراض و فریاد شعارهای کوبنده تبدیل کردند و در جاهایی با مارش اعتراضی خود در کف خیابان فضای پرشوری از اعتراض شکل دادند. معلمان نیز که یک نیروی وسیع و قدرتمند و سازمان‌یافته هستند و با اعتراضات قدرتمند اعتراضی خود در سال‌های اخیر به مرکز توجه جامعه تبدیل شده‌اند، در این مدت زیر بیشترین فشارها بوده‌اند و علی‌رغم همه سرکوبگری‌های حکومت در این یک‌ساله در مناسبت‌های مختلف فراخوان به تجمعات اعتراضی سراسری داده‌اند. امروز نیز با کارزار یک‌صد هزار امضا بر آزادی فوری همکاران زندانی و پایان سرکوبگری‌ها تأکید می‌کنند و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان یکی از امضاکنندگان منشور زن زندگی آزادی با خواست‌های حداقلی است که بیست تشکل از کارگران و معلمان و بخش‌های دیگر اجتماعی امضاکنندگان آن هستند.

همچنین نفت این مرکز کلیدی کارگری آرام و قرار ندارد. از جمله کارگران

پروژه‌های پیمانی نفت و کارگران رسمی نفت در ادامه اعتراضاتی که داشته‌اند اولتیماتوم داده‌اند که اگر به خواست‌های اعتراضی آنها برای افزایش حقوق‌ها و دیگر مطالباتشان پاسخ داده نشود در شهریورماه اعتصابات خود را از سر خواهند گرفت و مرکزی چون نیشکر هفت‌تپه این کانون داغ اعتراضات در همین روزها طی بیانیه‌ای در اعتراض به عدم اجرای وعده‌های داده شده با تأکید بر دو خواست بازگشت به کار اسماعیل بخشی همکار اخراجی خود و حل‌وفصل مطالبات معوق مانده و نظارت بر امور شرکت اولتیماتوم به ازسرگیری اعتراضاتشان را دادند. در چنین فضایی از اعتراض در سطح جامعه دیوارها از شعارهای اعتراضی برای گرامیداشت سالگرد انقلاب و علیه سرکوبگری‌های حکومت در تمام شهرها رنگ انقلاب را به خود گرفته است و مدیای اجتماعی از اعتراض و فراخوان‌های اعتراضی به مناسبت سالگرد انقلاب مهسا و گرامیداشت یاد وی موج می‌زند. در برابر این شرایط حکومت نیز ماشین‌های جنگی پلنگی خود را تحت پوشش گشت‌های ارشاد خود همه‌جا مستقر کرده است.

در خارج کشور نیز در تمام کشورهای جهان از سوی ایرانیان خارج کشور و نیروهای سیاسی مختلف از جمله حزب کمونیست کارگری برای برگزاری آکسیون‌های بزرگ به مناسبت سالگرد انقلاب تدارکات گسترده‌ای صورت گرفته است.

پیام تدارکاتی چنین گسترده به مناسبت سالگرد انقلاب و چنین جنب‌وجوش اعتراضی وسیع در سطح جامعه نه فقط تداوم انقلاب بلکه سريلند کردن موج قدرتمندتری از انقلاب است. شرایطی که از در پیش بودن تجمعات سراسری و اعتصابات سراسری کارگری خبر می‌دهد. شرایطی که از پیش‌تازای جنبش دادخواهی برای کشیدن جنایت کاران جمهوری اسلامی به پای میز محاکمه خبر می‌دهد. شرایطی که جامعه می‌رود تا به عمر ننگین جمهوری اسلامی خاتمه دهد و جامعه شاد و برابر و انسانی را هر روزه در کف خیابان فریاد می‌زند.

در این شرایط می‌توان با قدرتمندترین بسیج اجتماعی سالگرد انقلاب را گرامیداشت و آن را به نقطه عطفی تاریخی برای پایان رساندن انقلاب و رهاشدن از شر جهنم جمهوری اسلامی تبدیل کرد.*

معلم آزاده و آموزگار مدارس مشهد که به دنبال حمایت از انقلاب زن، زندگی، آزادی و اعتراض به سرکوب دانش‌آموزان احضار و بازداشت شده بود در پاسخ به فشارهای عوامل حکومت نوشت:

بله اعتراض کردم باز هم اعتراض می‌کنم

نه تنها اعتراض که حتی انقلاب حق من است

مردم در خدمت حکومت‌ها نیستند

که حکومت‌ها در خدمت مردم هستند

و این مردم هستند که حکومتی را بخواهند یا نه

حکومت در جایگاهی نیست که مرا بخواهد یا نه!

این من هستم که حکومت را انتخاب می‌کنم



در حاشیه عضویت جمهوری اسلامی در بریکس
از صفحه ۵

سیاست‌های آمریکا و غرب است. این جهت‌گیری در قبال جنگ اوکراین، جنگ سوریه، وضعیت عراق، جنگ یمن و... مشاهده شده است. در همه تغییر و تحولات نامبرده جمهوری اسلامی و محور روسیه و چین مهم‌ترین نقش را در تقویت صف رژیم‌های ضدآمریکایی و ضد غرب‌گرایی در سیاست‌های جهانی داشته‌اند.

گروه بریکس مشکلات و موانع زیادی بر سر راه مطرح‌شدن به‌عنوان یک قطب قدرتمند اقتصادی در جهان دارد. دلایل آن اساساً قبل از اینکه اقتصادی باشد، سیاسی است. ارزش‌های سیاسی بریکس علی‌رغم ادعاهایش مبنی بر جهانی بودن، اساساً بر محور شرق‌گرایی و به طور مشخص حول سیاست‌های چین و روسیه و راه رشد شرقی و مدل چینی است. مدلی که رژیم‌های توتالیتری نظیر چین، روسیه در آن نقش تعیین‌کننده دارند و قرار است رژیم‌های جمهوری اسلامی و عربستان نیز در آن ایفای نقش نمایند.

دلایل پذیرفته‌شدن جمهوری اسلامی در گروه بریکس، افزایش تحریم‌های غرب علیه رژیم فلج اقتصادی و سیاسی‌اش، زدن سروته دخالت‌های نظامی و تروریستی رژیم در منطقه خاورمیانه، ناامیدی کل حکومت و جناحی از آن به امید بهبود رابطه با غرب و تلاش برای بازگشت به جامعه جهانی، البته با نگاه به شرق و از همه مهم‌تر وضعیت خود رژیم در داخل است. پذیرفته‌شدن عضویت جمهوری اسلامی در این گروه بیشتر ژست سیاسی و روحیه دادن به رژیم در داخل کشور و در جمع دوستان و هم‌پیمانان سابقش در راستای سیاست‌های ضدآمریکایی و ضد غربی است. آنچه که خامنه‌ای "نگاه به شرق" می‌نامد و با روسیه و چین بیشترین روابط سیاسی و اقتصادی را توصیه می‌کند، در اساس یک هم‌سرنوشتی سیاسی جمهوری اسلامی و کشورهای عضو این گروه بر پایه ضدآمریکایی‌گری و ضد غربی است.

مردم ایران با هر گونه توافق و میدان دادن به حکومت آدمکشان اسلامی سرمایه، به هر گونه حمایت و پشتیبانی، به‌ویژه حمایت رژیم‌های چین و روسیه از این حکومت به‌شدت مخالف بوده و آن را محکوم کرده و بر علیه انقلاب خودشان می‌دانند. عضویت جمهوری اسلامی در بریکس و حمایت سیاسی این گروه از حکومت آدمکشان و نشست‌و‌برخاست با آن هم نخواهد توانست بحران سیاسی مزمن حکومت را حل کرده و راه فرجی برایش پیدا نماید. جمهوری اسلامی باید گورش گم کند. *

بی‌حجابی اقتدار حکومت را درهم شکسته است
از صفحه ۶

مشغول عقب‌نشینی و در سطح بین‌المللی بی‌آبرو و تحت فشار است. اعتراضات مختلف از همه طرف و هر روز جریان دارد و هیچ فاکتوری که یک‌ذره بحران اقتصادی و سیاسی حکومت را کاهش بدهد در چشم‌انداز قرار ندارد. در چنین شرایطی حکومتیان لحن خود را علیه زنان بی‌حجاب تندتر کرده و تمام ابزارهای خود را علیه آنان به کار انداخته‌اند. اما خودشان هم اطمینان دارند که قادر به عقب‌برگرداندن تحولات فکری، سیاسی و فرهنگی عمیقی که در جامعه رخ داده است و قادر به مقابله با جنبش عظیم بی‌حجابی نیستند و بی‌حجابی به‌عنوان یک نماد مهم انقلاب و تا سرنگونی حکومت همچنان به پیشروی ادامه خواهد داد. *

اهمیت عضویت حکومت اسلامی در معاهده بریکس
از صفحه نخست



سطح جهان بسیار تضعیف کرده است. عضویت شش کشور نامبرده در این معاهده، بیشتر حالت سمبلیک دارد و بیش از آنکه به تقویت بریکس منجر شود آن را تضعیف خواهد کرد. تقریباً تمام این شش کشور از بحران‌های جدی ای رنج می‌برند و جمهوری اسلامی از همه بحرانی‌تر و بی‌ثبات‌تر است و اقتصاد آن در حالت فلج و بحران عمیقی قرار دارد که باعث می‌شود اعتبار و موقعیت بریکس بیش‌ازپیش در سطح دنیا تضعیف شود.

بهر رونه بریکس و نه قطب غربی آن موسوم به گروه هفت، از نظر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی معجون‌های یکدستی نیستند و کشورهای عضو آنها تناقضات ویژه خود را دارند. دنیای موجود دنیای یک‌قطبی و دوقطبی نیست. مناسباتی پیچیده دولت‌ها و کشورها را از هم دور و به هم نزدیک می‌کند. از طریق معاهدات رسمی دولت‌ها نمی‌شود موقعیت کشورها و دولت‌های جهانی را رصد کرد. مردم و مبارزات آنها تقریباً در همه جای دنیا نقش برجسته‌تری در سیاست پیدا کرده‌اند. کشورهای بریکس از این زاویه نقطه‌ضعف‌های جدی ای دارند که به‌سادگی نمی‌توانند خود را از آنها و بحران‌هایی که به دنبال خواهند داشت، خلاص کنند. اعضای جدید این بحران‌ها را تشدید خواهند کرد. *

تداوم انقلاب و وضعیت سیاسی در ایران
از صفحه ۳

بود طبعاً با حل و یا تخفیف رکود اقتصادی و با شروع‌شدن دوره رونق، بحران حکومتی هم برطرف می‌شود، و یا اگر بحران ناشی از یک کودتا بود مسئله می‌توانست بعد از شکست و یا تثبیت کودتاچیان از بالای سر مردم حل و فصل شود، ولی وقتی بحران انقلابی است، یعنی مسئله بر سر نفس موجودیت یک نظام و حکومت است، این نوع سناریوها و راه‌حل‌ها موضوعیتی ندارد. تنها راه‌حل این می‌تواند باشد که کل حکومت و نظام موجود از جامعه جارو بشود.

بنابراین، چشم‌انداز تحولات این است که این روند، تحولی که به اسم انقلاب زن زندگی آزادی شناخته می‌شود، تا پیروزی کامل به‌پیش می‌رود. اشکال این پیشروی را نمی‌شود پیش‌بینی کرد، اینکه چقدر طول می‌کشد را هم نمی‌شود پیش‌بینی کرد؛ ولی روشن است که این بحران ادامه خواهد داشت و عمیق‌تر خواهد شد تا زمانی که جامعه بتواند خودش را از شر حکومت جمهوری اسلامی، خلاص کند. *

۲۳ اوت ۲۰۲۳، ۱ شهریور ۱۴۰۲

زن، زندگی، آزادی

اطلاعه‌های هفته اخیر

سه روز اعتراض پر شور

بخش‌های مختلف بازنشستگان

در این هفته همچون هفته‌های گذشته در سه روز ۲۹، ۳۰ و ۳۱ مرداد به ترتیب بازنشستگان تأمین اجتماعی، مخابرات و کشوری تجمع داشتند. در روز ۲۹ مرداد بازنشستگان فولاد در اصفهان نیز تجمع اعتراضی برپا کردند. بدین ترتیب بخش‌های مختلف بازنشستگان طی این سه روز در بیش از ۲۰ شهر تجمع و اعتراض برپا کردند و با شعارهای اعتراضی خود علیه دولت، علیه مجلس اسلامی، علیه صداوسیما، حکومت و علیه فقر و فلاکت و دزدی‌ها و اختلاس‌ها، فریاد اعتراض خود را بلند کرده و کل جامعه را نمایندگی کردند. این اعتراضات در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و تدارک وسیع گرامیداشت انقلاب زن زندگی آزادی طبعاً جایگاه سیاسی مهمی دارد. اخبار اعتراضات این سه روز به تفکیک از این قرار است:

- امروز ۳۱ مرداد بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراض خود در مقابل ساختمان صندوق‌های بازنشستگی در شهرهای مختلف تجمع کردند. اعتراض آنان همچون دیگر بخش‌های بازنشستگان به فقر و گرانی، اختلاس‌ها و دزدی‌ها، به تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و همچنین به دستگیری‌ها و بازداشت‌ها است. یک تأکید فوری این بازنشستگان آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی است. در این روز بازنشستگان کشوری در شهرهای اردبیل، رشت، شهرکرد، قم، قزوین، تهران، پلدختر، ایلام، خرم‌آباد، کرج، سنندج، اهواز، کرمانشاه دست به تجمع و اعتراض زدند. در شهرکرد بازنشستگان فرهنگی و علوم پزشکی با هم تجمع داشتند.

بازنشستگان از جمله شعار می‌دادند "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "نگ ما ننگ ما صداوسیما می‌ما"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "تورم گرانی بلای جان مردم"، "دولت بی‌کفایت استعفا استعفا"، "مرگ بر دروغگو" و "نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت".

- روز دوشنبه ۳۰ مرداد بازنشستگان مخابرات نیز در سطح سراسری تجمع داشتند. شهرهایی که در آنها تجمعات برپا شدند عبارت‌اند از: ایلام، کرمانشاه، زنجان، مشهد، اهواز، تبریز، اراک، ارومیه، تهران، بندرعباس، و رشت.

در تهران یکی از زنان بازنشسته فریاد می‌زد و می‌گفت ما با ده میلیون چطور زندگی کنیم و بعد جمعیت با شعار بازنشسته داده بزن حقتو فریاد بزن" با او هم صدا شدند. بازنشستگان مخابرات همچنین شعار می‌دادند: "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست"، "شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "تا حق خود نگیریم آروم نمی‌نشینیم"، "تا حق خود نگیریم هر دوشنبه همین‌ها"، "سهام‌دار عمده حق ماها را خورده"، "وزیر بی‌لیاقت استعفا، استعفا"، "مدیر بی‌لیاقت استعفا، استعفا". اعتراض بازنشستگان مخابرات به گرانی و تورم و بی‌تامینی و برای پیگیری دیگر مطالبات خود از جمله اجرای کامل آیین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی است.

- بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز روز یکشنبه ۲۹ مرداد در اعتراض به وضع بد معیشتی و برای پیگیری خواست‌هایشان مقابل تأمین اجتماعی در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهایی چون شوش، اهواز، کرمانشاه، شوشتر، بابل، رشت و قزوین برگزار شدند. در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "خواسته ما این زمان، معیشت است و درمان"، "حقوق نصفه‌نیمه، ساکت بشیم همین‌ها"، "تا کی

سرافکندگی، یا مرگ یا زندگی"، نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "تنها کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته!"، و "شورای عالی کار، نمی‌خوایم، نمی‌خوایم!"

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد در اصفهان در اعتراض به گرانی و تورم و برای پیگیری خواست‌هایشان مقابل دفتر بازنشستگان فولاد در خیابان نشاط این شهرستان تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار می‌دادند: "کشور پر درآمد، چه بر سر تو آمد؟!". درمان رایگان، همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش سطح آنها و پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواست‌های فوری آنهاست.

تمام بخش‌های بازنشستگان زیر فشار فقر و محرومیت هستند. یک عمر کار کرده‌اند و حق و حقوق طبیعی‌شان توسط مافیای حاکم غارت می‌شود. اعتراضات بازنشستگان مورد حمایت بخش‌های وسیع مردم است و بر فضای جامعه تأثیرات بسیار پیش‌برنده‌ای داشته است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزات بازنشستگان بر اتحاد مبارزاتی بخش‌های مختلف بازنشستگان و برپایی تجمعات مشترک بزرگ سراسری آنها و نیز اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته که یکی دیگر از شعارهای تجمعات اعتراضی خود آنها بوده است، تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ مرداد ۱۴۰۲، ۲۲ اوت ۲۰۲۳

بیانیه حزب کمونیست کارگری

در باره یورش حکومت به خانواده‌های جان‌باختگان

در آستانه اولین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، حکومت اسلامی از برآمد مجدد انقلاب در شکل مراسم‌های سالگرد جان‌باختگان وحشت دارد و برای ممانعت از این امر به هر زدالت و جنایت و توحشی دست می‌زند. خانواده جان‌باختگان را زیر شدیدترین فشارها قرار می‌دهد، تهدید می‌کند، دستگیر می‌کند و احکام سنگین زندان صادر می‌کند تا این خانواده‌ها را به سکوت وادارد که البته با مقاومت جسورانه و شورانگیز آنها پاسخ می‌گیرد. حکومت اسلامی با راه‌انداختن شکنجه روحی و عاطفی سازمان‌یافته علیه این خانواده‌ها پرونده سنگینش در جنایت علیه بشریت را سنگین‌تر می‌کند.

رژیم چنان از شعله‌ور شدن مجدد انقلاب از درون مراسم‌های سالگرد وحشت دارد که حتی به مزار جان‌باختگان انقلاب هم یورش می‌برد. مانع برگزاری مراسم خانواده‌ها بر سر مزار عزیزانشان می‌شود و حتی سنگ قبرها را می‌شکند، می‌سوزاند و قیرپاشی می‌کند. این درجه توحش از سر اقتدار نیست که اقتدارش مدت‌ها است فرو ریخته است. از سر استیصال است. نشانی از رعشه مرگ است که مردم انقلابی بر وجود حاکمان قاتل اسلامی انداخته‌اند. جان‌باختگانی که در قلب مردم جاگرفته‌اند و به نماد و پرچم انقلاب زن، زندگی، آزادی تبدیل شده‌اند. انقلابی که تا همین جا سنگرهای مهمی را فتح کرده است و جمهوری اسلامی را در بحرانی عمیق و سراسیمه سقوط قرار داده است.

عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای که روز ۳۰ مرداد علیه فشار به خانواده‌های جان‌باختگان منتشر کرده، خواهان حمایت جامعه بین‌المللی از خانواده‌های جان‌باختگان، فشار جهانی به حکومت اسلامی برای دست برداشتن از بازداشت و تهدید این خانواده‌ها، لغو محکومیت‌ها و احکام

تأیید حکم ۵ سال زندان جعفر ابراهیمی

معلم زندانی آزاد باید گردد

بنا بر خبر منتشر شده در کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان حکم ۵ سال حبس جعفر ابراهیمی بازرس این تشکل توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تأیید شد. این خبر به نقل از عرفان کرم ویسی وکیل این معلم زندانی منتشر شده است. جعفر ابراهیمی همراه با تعداد زیادی از معلمان در آستانه تجمع اعتراضی یکم اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت شده بود و کماکان در زندان اوین به سر می برد توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر با اتهام "اجتماع و تبانی" به ۵ سال زندان محکوم شد که از این بابت طبق بخشنامه "کاهش مجازات" دو سال آن قابلیت اجرایی دارد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ضمن انتشار این خبر با تأکید بر بحق بودن مبارزات معلمان صدور این احکام را محکوم کرده و بر آزادی فوری وی قیدوشرط این معلم زندانی تأکید کرده است.

معلمان با کارزار یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی و توقف فشارهای امنیتی بر معلمان معترض بر آزادی فوری همه همکاران در بند خود تأکید دارند. تاکنون هزاران معلم و نیز تشکلهای مختلف معلمان از شهرهای مختلف به این کارزار پیوسته اند. اعتراض معلمان علیه فقر و تبعیض و نابرابری و اختلاسها و دزدیها و با خواست سراسری تحصیل رایگان برای همه کودکان صدای اعتراض همه جامعه است و از کارزار یکصد هزار امضا باید میلیونی حمایت کرد. جعفر ابراهیمی، معلمان زندانی و کارگران در بند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند با اعتراضات سراسری خود درب زندانها را باز کنیم.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

۲۹ مرداد ۱۴۰۲

shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

ناعدالته و آزادی همه کسانی شده است که به دلیل دفاع از حقیقت و عدالت در زندان هستند. عفو بین الملل در این بیانیه خواهان بازداشت مقامات جمهوری اسلامی شده و از همه دولتها خواسته است که از "صلاحیت قضایی جهانی" استفاده کنند و برای مقامات جمهوری اسلامی "از جمله آنهایی که مسئولیت فرماندهی دارند" و "مظنون به مسئولیت کیفری برای جنایاتی هستند که بر اساس قوانین بین المللی در جریان خیزش و یا پس از آن مرتکب شده اند، حکم بازداشت صادر کنند." باید تلاش کنیم همه نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر به فراخوان عفو بین الملل برای بازداشت مقامات حکومت اسلامی بپیوندند و دولتها را برای بایکوت همه جانبه سیاسی، فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی زیر فشار قرار دهند.

یک رکن مهم جنبش سرنگونی، جنبش دادخواهی و اعتراض خانوادههای جانباختگان انقلاب است. درد مشترک و رزم مشترک خانوادههای جانباختگان، مقاومت جسورانه و پایداریشان در زنده نگه داشتن آرمانهای انسانی انقلاب و عزیزانشان، این جنبش را از ظرفیت بالایی برای اقدامات سراسری اعتراضی، شبکههای گسترده، نهادهای سراسری، بیانیهها و اعتراضات سراسری برخوردار کرده است که هر کدام میتواند این جنبش را در داخل و در سطح بین المللی در موقعیت قدرتمندتری قرار دهد.

تا همین جا همبستگی میان خانوادههای جانباختگان و همدلی و همدردی وسیع جامعه با این خانوادهها، حکومت را بهویژه در آستانه سالروز انقلاب به وحشت انداخته است. از همه تشکلهای، نهادها، فعالین کارگری، فعالین سیاسی و مدنی، وکلا و نویسندگان، سلبریتیهای ورزشی و هنری و تک تک شهروندان زخم خورده از جمهوری اسلامی و منزجر از این حکومت انتظار می رود با تمام قوا یارویاور خانوادههای جانباختگان انقلاب باشند و دوش به دوش آنها جنبش دادخواهی را گسترش دهند.

انقلاب زن زندگی آزادی، بزرگترین، توده‌ایترین، مدرنترین، انسانیترین، و ریشه‌ایترین چالش سیاسی برای پایان دادن به عمر خونبار جمهوری اسلامی را آغاز کرده است. برای سرنگونی رژیم اسلامی و پیروزی انقلاب، با تمام توان به میدان بیاییم.

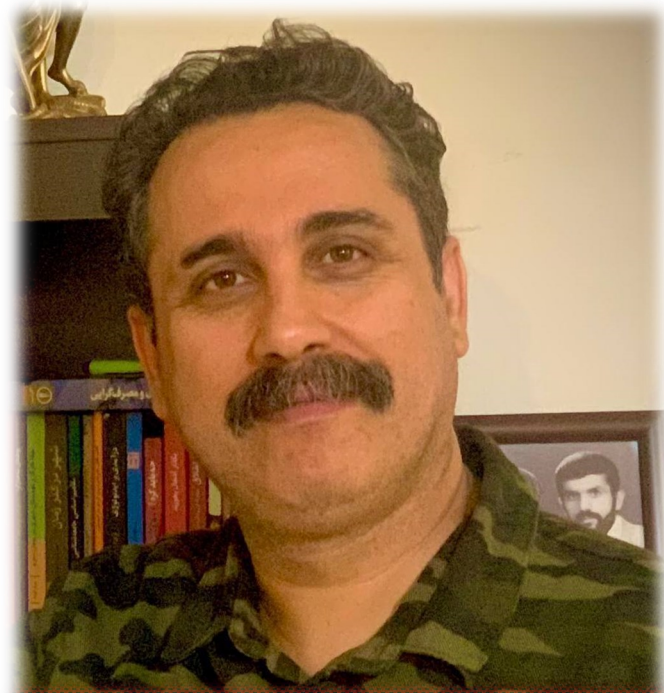
همراه و همبسته با مقاومت و مبارزه جسورانه

خانوادههای جانباختگان،

پیش به سوی پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ شهریور ۱۴۰۲-۲۴ سپتامبر ۲۰۲۳



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



**CAMPAIGN TO FREE
JAILED WORKERS IN IRAN**

عثمان اسماعیلی به ۳۹ ماه حبس محکوم شد

عثمان اسماعیلی، فعال کارگری شناخته شده در سقز و زندانی سیاسی پیشین به ۳۹ ماه حبس محکوم شد. او با اتهاماتی چون "تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت و سخنرانی در مراسم خاکسپاری زینا امینی" و عضویت در کومله مورد محاکمه قرار گرفته و حکم زندان گرفته است. بنا بر خبرها باتوجه به وضعیت سنی عثمان اسماعیلی این چهره محبوب کارگری، ۱۶ ماه از این حکم اجرایی خواهد بود.

عثمان اسماعیلی پیش از این بارها سابقه زندان داشته است. آخرین مورد آن در اواخر بهمن سال گذشته بود که پس از گذشت ۷۰ روز، با قرار وثیقه موقتاً آزاد شد.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی (FTN) زندانی کردن عثمان اسماعیلی را محکوم می کند و برای آزادی بی قید و شرط او تلاش می کند. محکومیت عثمان اسماعیلی با واکنش اعتراضی بسیاری در مدیای اجتماعی روبرو شده است. با اتحاد مبارزاتی سراسری باید بساط سرکوب و زندان حکومت را عقب زد. با قدرت خیزش مردمی می شود در زندانها را گشود و همه زندانیان سیاسی را آزاد کرد. باید به امنیتی کردن مبارزات خاتمه داده شود و پرونده امنیتی تشکیل شده برای عثمان اسماعیلی و تمامی فعالین سیاسی لغو شود. حق تشکل، تحزب، تجمع، اعتصاب حقوق پایه ای مردم است. انقلاب زن زندگی آزادی حرکت مردم برای دستیابی به وسیع ترین آزادیها در جامعه است. جمهوری اسلامی این حکومت زندان و سرکوب باید سرنگون شود.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

۲ شهریور ۱۴۰۲ - ۲۴ اوت ۲۰۲۳

shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

دادگاه سپیده قلیان پشت درهای بسته برگزار شد

سپیده از جانب مردم

به صورت بازجو خبرنگار حکومتی تف کرد

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی مهدی قلیان برادر سپیده قلیان، این زندانی سیاسی محبوب مردمی در صبح روز ۳۱ مردادماه و برای چندمین بار دادگاهی شد. این دادگاه به دنبال شکایت آمنه سادات ذبیح پور بازجو خبرنگار منفور صداوسیما جمهوری اسلامی در شعبه ۱۲۰۷ کیفری مجتمع قضائی کچوی برگزار شد. جمهوری اسلامی قرار بود دادگاه را به صورت علنی برگزار کند؛ اما به بهانه اینکه سپیده به حجاب اجباری در دادگاه تن نداد، به همان روال همیشگی پشت درهای بسته برگزار گردید. در این دادگاه ذبیح پور هم حاضر شده بود.

گفتنی است که در فاصله بین دادگاه قبلی تا امروز قاضی دادگاه تغییر کرده و رسیدگی به پرونده به قاضی جدیدی محول شده بود.

آمنه سادات ذبیح پور از همان بدو ورود به جلسه دادگاه با گستاخی اتهاماتی از قبیل "جاسوسی" و "اعتشاشگری" را علیه سپیده قلیان مطرح کرد و به تهدید وی ادامه داد. مهدی قلیان برادر سپیده می گوید: او احتمالاً فراموش کرده بود در دادگاه، نه به عنوان مرجع صدور حکم که به عنوان شاکی حضور دارد. وی در مقابل پرسش وکلای سپیده در رابطه با "مجوز ساخت مستند طراحی سوخته"، پاسخی نداشت. مهدی قلیان در گزارش خبری خود همچنین از دو وکیل شجاع سپیده آقایان امیر رئیسیان و جمال حیدری منش که همواره کنار مردم بوده اند سپاسگزاری کرد.

سپیده در این دادگاه از خبرنگاران معترض و شریفی همچون "نیلوفر حامدی" و "اللهه محمدی" یادکرد و ذبیح پور آنها را نیز جاسوس اسرائیل و آمریکا خواند. آمنه سادات ذبیح پور همچنین بارها به حضور بدون روبروی سپیده در دادگاه اعتراض کرد که قاضی دادگاه در پاسخ اعلام کرد به دلیل حضور بدون حجاب در دادگاه برای بار دوم برای سپیده قرار مجرمیت صادر می کند. آمنه سادات ذبیح پور در این دادگاه مدعی شد که مردم او را دوست دارند و او حرف مردم را می زند. سپیده هم به گفته خودش "از طرف مردم" در صورت وی تف کرد.

سپیده گفته بود که نه برای دفاع از خود که به منظور "مقاومت برای آن چیزی که مردم با جنبش خود به دست آورده اند" در دادگاه کذایی حکومت شرکت می کند.

سپیده قلیان یکی از چهره های شاخص معترض و جسور علیه سیستم سرکوب و زندان و تحجر اسلامی است و در قلب همه مردم جای دارد. آزادی سپیده قلیان خواست همه مردم این کشور است و با ادامه انقلاب زن زندگی آزادی سپیده و همه زندانیان سیاسی را آزاد خواهیم کرد.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر

سوم شهریور ۱۴۰۲

اطلاعیه شماره ۳ کارزار "شکنجه دارویی، قتل عمد خاموش دولتی"

خودکشی حمزه درویش، جنایت دیگر شما!

بر اساس خبر منتشر شده یکی از اعضای خانواده، حمزه درویش زندانی عقیدتی در اعتراض به حکم ۱۴ سال حبس در تبعید خود از طریق خوردن ۱۲ قرص دیازپام در زندان لاکان رشت اقدام به خودکشی کرد.

حکومت اسلامی از سرترس و استیصال در آستانه سالروز انقلاب "زن، زندگی، آزادی" به دست و پا زدن های پی ثمر خود از جمله صدور احکام بی اساس و پوشالی که مردم آن را "احکام کیلویی" نامیدند، ادامه می دهد.

در ادامه سیاست عدم آگاهانه دسترسی به دارو و درمان زندانی سیاسی، پس از قتل عمد دولتی مهسا (زینا) امینی، سیاست قتل عمد خاموش زندانی سیاسی از طریق خوراندن داروهای روانی و اعصاب افزایش پیدا کرده است.

خودکشی حمزه درویش و دسترسی به این تعداد قرص دیازپام، ادامه سیاست غیرانسانی "حذف فیزیکی عامدانه" زندانی سیاسی است.

رژیم اسلامی مسئول امنیت و جان زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به دنبال انتشار بیانیه ای خطاب به دولت ها و سازمان های جهانی در رابطه با شکنجه دارویی زندانیان سیاسی و اعلام کارزار "شکنجه دارویی، قتل عمد خاموش دولتی" جهت جلب توجه جهانی به وضعیت زندانیان سیاسی و بالاخص قتل خاموش زندانیان توسط شکنجه دارویی همه شما مردم شریف، آزادی خواه، انسان دوست، نهادها، سازمان های مدافع حقوق انسانی و احزاب سیاسی را به پیوستن و حمایت از این کارزار به هر طریق و شکل ممکن دعوت می کند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۲۲ مرداد ۱۴۰۲، ۱۳ آگوست ۲۰۲۳

۲۵ شهریور، ۱۶ سپتامبر، روز مهسا (ژینا):

روز طنین زن زندگی آزادی

در خیابان‌های جهان!

سالگرد انقلاب قهرمانانه مردم ایران، انقلاب زن زندگی آزادی
فرامی‌رسد.

در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، برابر با ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳، قلب پرشور مهسا (ژینا) امینی در اثر شکنجه و ضرب و شتم مأموران حجاب حکومت اسلامی از حرکت باز ایستاد و ایران را یکباره خشم و انقلاب فراگرفت. این سرآغاز انقلابی سراسری و فراگیر با شعار "زن، زندگی، آزادی" شد که جهان را به وجد آورد و به احترام واداشت. انقلابی که اولین انقلاب زنانه تاریخ بشر نام گرفت. انقلابی که علی‌رغم وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها و قتل صدها تن از عزیزترین فرزندان مردم و زخمی و زندان کردن هزاران نفر دیگر، همچنان در عمق جامعه ایران جریان دارد.

اکنون که سالگرد شروع این انقلاب نزدیک می‌شود مردم ایران چه در داخل و چه در خارج کشور در تدارک گرامیداشت هرچه باشکوه‌تر این روز و تداوم گسترده‌تر انقلاب خویش‌اند. این روزی است که از سقز و سنندج و تهران و شیراز و زاهدان گرفته تا لندن و پاریس و ونکوور و سیدنی

شعار زن زندگی آزادی در خیابان‌ها طنین خواهد انداخت. این روزی است که وحشت مرگ بر سرتاپای جمهوری اسلامی خواهد انداخت و به همه قدرتهای جهان یادآور خواهد شد که مردم ایران عزم جزم کرده‌اند تا خود و جهان را از شر جمهوری اسلامی رها کنند.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، روز مهسا (ژینا) تلاش می‌کند. در خارج کشور ما همراه با ایرانیان مقیم کشورهای مختلف در تدارکیم تا شهرهای مختلف جهان مراسم‌ها و تظاهرات‌هایی در گرامیداشت ۲۵ شهریور، ۱۶ سپتامبر، برپا کنیم. از همه ایرانیان ساکن شهرهای مختلف جهان دعوت می‌کنیم تا بهر شکل ممکن با ابتکارات مختلف و به‌ویژه برپایی تظاهرات‌ها سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی بدارند و همراه با مردم انقلابی در داخل کشور عزم خود را برای تداوم مبارزه تا سرنگونی جمهوری اسلامی اعلام کنند.

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی

سرنگون باد جمهوری اسلامی

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آگوست ۲۰۲۳

MAHSA DAY

SEPTEMBER 16TH

زن زندگی آزادی

وعده ما در خیابان‌ها
شنبه ۲۵ شهریور


حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran





انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpiran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com